

بیانیه

اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)

بمناسبت اول ماه مه

میشد. بنابراین ورشکستگی و سقوطش هم نشانه شکست سوسیالیسم و کمونیسم نبود، بلکه بیماری و بحران لاعلاج گریبانگیر امپریالیسم را بنمایش میگذاشت. آنچه توده های اروپای شرقی و شوروی سابق طی چند سال اخیر تجربه کرده اند، زشتی و پلییدی نظام سرمایه داری و عمق دروغهای اربابان جهان را بیش از پیش آشکار ساخته است.

در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم، نبرد اقشار و طبقات ستمدیده علیه حکام مرتجع و اربابان امپریالیست آنها اوج می یابد. تھیدستان روستا و شهر، زنان و جوانان، توده هایی که بار قرنهای بردگی و ستم و استثمار را بر دوش میکشند، به جنبش در می آیند. در مقابل، قدرتهای امپریالیستی و ارتجاعی و سر ژاندارم جهان یعنی آمریکا، ارتشهای تجاوزگر خود را بر سر خلقها نازل می کنند تا پایه های پوسیده نظم کهن را به زور سر نیزه استوار نگهدارند. از درون تبتانی و نمایشات عاشقانه قدرتهای بزرگ که بدنبال خاتمه جنگ سرد» براه افتاد، صف بندیهای جدید میان امپریالیستها شکل میگیرد و رقابتهای ذاتی آنها به شکل های جدید بروز میکنند. آنها تلاش میکنند با تشدید استثمار کارگران و دهقانان در کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و غارت منابع آنها، و نیز با محکمت کردن کمربندها در جوامع خود، از فشار بحران بر دوش خویش کم کنند. برای اینکار، ترفندهای سیاسی و پیمانها و قراردادهای اقتصادی بین المللی به پشتوانه نیروی نظامی و موقعیت سیاسی دولتهای بزرگ به اجراء گذاشته میشود. اما آن ترفندها، مشکل بتواند گرهی از کار دشمنان انقلاب بگشاید. در دسرهای اینان را پایانی نیست. تجربه سومالی را بنگرید؛ به بالا گرفتن دوباره شعله های انتفاضه در فلسطین نگاه کنید؛ کردستان ترکیه و کشورهای شمال آفریقا را از نظر بگذرانید. تدابیر اقتصادی غریبه نیز، حتی اگر بتواند در برخی موارد محرکی موقتی برای صنایع در حال رکود امپریالیستها ایجاد کند، دور جدیدی از تشدید تضادها را در پی خواهد داشت. نمونه مکزیک در برابر چشم ماست؛ ببینید که چگونه آمریکاییها و نوکرانشان در آن کشور هنوز باد «پیمان نفتا» را نکاشته، توفان اقیام مسلحانه دهقانان چیاپاس را درو کردند. درون کشورهای امپریالیستی نیز بر دامنه نارضایتی و مقاومت پرولتاریا و اقشار تحتانی تر افزوده شده است. بحران بصورت اقشاری از کارگران و طبقه میانی که تا بحال از رفاه نسبی برخوردار بودند هم سیلی میزند و بخشی از آنان را بصف معترضین و مخالفان نظم موجود می راند. شورش دو سال پیش «لس آنجلس» و وقوع چند مبارزه رزمنده توده ای در انگلستان و فرانسه تنها نشانه های اولیه «بی نظمی بزرگی» است که در راهست. همه اینها نشان میدهد که کوره نبرد طبقاتی در سراسر جهان هر دم داغتر میشود. این اوضاع نیاز عاجل به رهبری مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی را طلب میکند. چرا که بدون این رهبری، توان و انرژی و شور و شوق توده ها به هرز خواهد رفت و مبارزات قهرمانانه آنها به پیروزی واقعی نخواهد رسید. تامین این رهبری، بمعنای ایجاد و تحکیم احزاب مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی در سراسر جهانست. و این همان کاری است که جنبش انقلابی انترناسیونالیستی پیگیرانه به انجام آن یاری میرساند. باشد تا با قلبهایی آکنده از سرزندگی و امید و خوشبینی این حکم سرود انترناسیونال را تکرار کنیم که: «تا ظلم را از عالم بروییم؛ نعمت خود آریم بدست. دمیم آتش را و بکوئیم، تا وقتیکه آهن گرم است»

جامعه ایران از موج آشوب انقلابی که در حال شکل گیری

وقتیکه نخستین نیزه های طلائی آفتاب در صبحگاه اول ماه مه پرتو افکن میشود، با پرچم سرخ کمونیسم در دستهایمان، با خون طبقه کارگر جهانی در رگهایمان، پیش می آئیم. افق پیروزی و رهائی را روشنتر از گذشته ترسیم میکنیم. بانگ خوشامد به روز انترناسیونالیسم پرولتری را با فراخوان نبرد انقلابی در هم می آمیزیم و بگوش تهیدستان و محرومان می رسانیم.

به پیام اول ماه مه سرخ گوش فرا دهید! امروز پرولتاریای بین المللی با ارتقاء سطح وحدت خویش در بهترین موقعیت ممکن برای مواجهه با مصافهای بیشتر و صعود به قله های رفیعتر قرار دارد. زیرا جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، جنبش متشکل از احزاب و سازمانهای کمونیست انقلابی جهان، در صدمین سالگرد تولد مائوتسه دون (۲۶ دسامبر ۱۹۹۳) اعلام نموده که مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم را ایدئولوژی راهنما و مبنای اتحاد خویش قرار داده است. این دستاوردی عظیم و تعیین کننده در مسیر نابودی جهان کهنه و آفرینش جهان نوینی است که در آن از طبقات، از استثمار و ستمگری، از تبعیضات و تمایزات طبقاتی، جنسی و ملی و از اسارت بشر در چنگال خرافه و مذهب خبری نخواهد بود. طبقه جهانی ما در راه تحقق این آرمان شکوهمند، تجارب گرانبهایی اندوخته است. ساختمان جامعه نوین در شوروی تحت رهبری لنین و استالین، و چین مائو برای چند دهه پیروزمندانه به پیش رفت؛ هر چند با سرنگونی قدرت پرولتاریا و احیای سرمایه داری در این دو کشور شکستهای سنگین و تلخی متحمل شدیم. اینک با در دست گرفتن سلاح شکست ناپذیر مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم میرویم تا بر شکستهای گذشته فائق آئیم و بار دیگر طعم شیرین رهائی را احساس کنیم. قرار گرفتن این ایدئولوژی در فرماندهی انقلاب جهانی، گامی راهگشا برای ایجاد انترناسیونال نوین کمونیستی است.

سر بلند کنید و به افق نظر افکنید! ببینید که چگونه آمال و آرزوهای ما در آنسوی جهان در حال تحقق است. درفش سرخ و شکوهمند طبقه جهانیان را ببینید که امروز رفیعتر از هر جا، در جنگ قهرمانانه توده های پروئی علیه رژیم ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم آن کشور به اهتزاز درآمده است. علیرغم دستگیری رفیق گونزالو صدر حزب کمونیست پرو و دشواریهای ناشی از آن، جنگ خلق تحت رهبری این حزب که یکی از احزاب شرکت کننده در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی است، همچنان به پیش می رود، به ستمدیدگان سراسر جهان الهام می بخشد و راه انقلاب جهانی پرولتری را هموار میکند.

گردباد بحران که دیر زمانیست در جهان وزیدن گرفته، اینک عمق و شدتی فزونتر می یابد. هر روز شمار بیشتری از توده ها بصغوف مقاومت و شورش و انقلاب می پیوندند. بیاد آورید حکام آمریکا را که سه سال پیش بهنگام بمباران اهالی عراق، از برقراری نظم نوین جهانی برای یک قرن» میگفتند. بیاد آورید دولتهای غربی را که بدنبال فروپاشی شوروی و بلوک تحت رهبریش، درباره «جاودانه بودن نظام سرمایه داری» لاف میزدند. آنها میخواستند توده ها را بی دورنما کنند و از مقاومت و مبارزه و انقلاب نومید گردانند. اما پوچی این خیالات، مثل روز آشکار شد. آنها بهمراه مرتجعین فربیکار و فرصت طلبان مدافع شوروی میخواستند به ستمدیدگان جهان بقبولانند که بلوک شرق، نماینده انقلاب و کمونیسم است. اما این بلوک عضوی از پیکر نظام سرمایه داری جهانی محسوب

است، بر کنار نیست. چند سالی است که روند بیداری ستمدیدگان و شکستن یخ های رختی که شکست انقلاب ۵۷ بدنبال داشت، آغاز گشته است. توده هائی که در آن زمان به سلاح مذهب چنگ انداختند تا شاید راه رهائی را برایشان هموار کند، به بوسیدگی و اسارتبار بودنش پی برده اند و اینک بدنبال فلسفه و دیدگاهی واقعا رهائیبخش می گردند. استثمار شدید و ستمگری عمیق و جنون آسای طبقاتی، ملی و جنسی سرچشمه مبارزه و خیزش توده هاست. جنبش های توده ای که غالباً به درگیریهای خونین منجر میشود بشکل پراکنده ادامه دارد. شورش قهرآمیز زاهدان که اخیراً بوقوع پیوست، دنباله موج نوینی است که با خیزش شیراز و اراک و بویژه مشهد آغاز گشته است. در کنار اینگونه مبارزات که معمولاً بازتاب خبری گسترده ای در سطح کشور و جهان دارد، مبارزه روزمره کارگران علیه فشارهای اقتصادی و اجتماعی دولت و تدابیری نظیر بیکار سازیهای گسترده همچنان ادامه دارد. جنبش اعتراضی زنان قهرمان نیز علیه شنیع ترین اشکال ستمگری و تبعیضات اجتماعی و سیاسی، علیه قوانین و احکام و مناسبات کهنه بی وقفه جریان داشته و یکی از علل دائمی دل نگرانی و خشم حکام اسلام بوده است. بموازات همه اینها، موارد بسیاری از مبارزات دهقانان و روستا نشینان اتفاق می افتد که عموماً ریشه در خواست دیرینه و اساسی کشتگران محروم، یعنی زمین، دارد.

رژیم جمهوری اسلامی تحت فشار بحران و رقابت منافع باند های ارتجاعی حاکم و امپریالیستهای صاحب نفوذ در ایران بشدت تضعیف شده است. راس هرم حاکمیت، مجامع فقها و روحانیان، دار و دسته های سرمایه دار و زمیندار بزرگی که با ربودن دسترنج مردم، به حراج گذاشتن ذخائر و منابع و به باد دادن کشور، گردن کلفت شده اند، چند پاره و پر شکافند. آینده در چشم این بردگان نفت و نوچه های اصدوق بین المللی پول، آنچنان تیره و تاریک شده که هر باند میکوشد گناه را به گردن بقیه بیندازد و خود را مظلوم و قربانی جلوه دهد، تا شاید از آتش انتقام خلق در امان بماند.

اینها همه عواملی عینی است که مساعدتر شدن شرایط برای پیشروی انقلابی در عرصه ایران را بنمایش میگذارد. اما عامل مساعد دیگری نیز در کار است که در امر پیروزی انقلاب پرولتری و تحقق آرزوهای پرولتاریا و خلقهای ایران نقشی تعیین کننده بازی میکند. این عامل مساعد، پیشاهنگ پرولتاریا و ستاد رهبری کننده انقلاب است: پیشاهنگ کسانی که هیچ چیز برای از دست دادن ندارند مگر زنجیرهای بردگیشان؛ کسانی که منافع اساسی آنها در ضدیت تمام و کمال با این نظام قرار دارد و تحقق خواسته هایشان در گرو کامل ترین و پیگیرترین شکل دگرگونی جامعه است. این پیشاهنگ ریشه دردهای جامعه را بدرستی تشخیص داده است؛ میداند که غده های چرکین ستم و استثمار کدامند و در کجا لانه کرده اند؛ برای خلاصی از شر سه کوه امپریالیسم، نیمه فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک که بر دوش خلق سنگینی میکنند نقشه مناسب و پیروزمندی دارد. این پیشاهنگ طرح جامعه نوین و دولت نوینی که در جریان پیشبرد و پیروزی انقلاب دمکراتیک نوین شکل میگیرد و متولد میشود را آگاهانه و به دقت ترسیم میکند؛ مسیر گذار و تکامل انقلاب به مرحله ساختمان سوسیالیستی را روشن میسازد؛ این پیشاهنگ خوب میداند که کار دشواری در پیش است، بنابراین وعده پیروزیهای سهل و نیمه کاره را نمیدهد.

این پیشاهنگ نقش و منافع هر طبقه و قشر اجتماعی را تشخیص میدهد و طبقه کارگر را بدان آگاه میسازد؛ راه متحد شدن و مبانی اتحاد را به توده های خلق نشان میدهد، بر دوستان دروغین ستمدیدگان راه می بندد و در میدانی که پرچمهای رنگارنگ طبقات گوناگون بچشم میخورد

پرچم استقلال پرولتاریا را به اهتزاز در می آورد. این پیشاهنگ با اعتقاد به انترناسیونالیسم پرولتری اعلام میکند که انقلاب در ایران جزئی از انقلاب جهانی پرولتری است؛ اعلام میکند که این کشور در نتیجه پیروزی انقلاب به پایگاهی برای گسترش انقلاب پرولتاریا و خلقهای ستمدیده و تحقق جهان کمونیستی تبدیل خواهد شد.

این پیشاهنگ حاصل ده ها سال نبرد قهرمانانه، خونفشان و کسب تجربه توسط کمونیستهای انقلابی، پرولتاریا و خلق است. ستاد رهبری کننده ای که بر علم و ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم متکی است؛ و این آموزه عمیق مائوتسه دون را بخوبی درک کرده است که قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می آید؛ میداند که پیروزی ستمدیدگان در نبرد با حکام ستمگر در گرو یک نقشه جنگی بسیار داهیهانه است؛ میداند مردمی که اینک بی سلاح و سازمان نیافته و بی دورنما هستند چگونه میتوانند ضعفهای خود را برطرف کنند و بر نیروهای مسلح سرکویگر رژیم پیروز شوند؛ میداند که کسب پیروزی بدون چشمداشت از قدرتهای جهانی و بدون اتکاء به نیروهای مرتجع چگونه میسر میشود؛ راه از ضعیف به قوی و از کوچک به بزرگ تبدیل شدن، و راه اتکاء به نیروی خود را بلد است؛ میداند که جنگ درازمدت انقلابی باید از مناطق روستائی شروع شود زیرا در این مناطق، سر پنجه های دشمن ضعیفتر است؛ میداند که باید تفنگهای خود را از دست نیروهای مسلح رژیم بریائیم و یاد بگیریم که در جنگ انقلابی از ابتکارات توده ای و تسلیحات قابل دسترس که نحوه استفاده از آنها آسان است سود بجوئیم. این پیشاهنگ، رسالت و توانائی تدارک و برپائی جنگ خلق بر مبنای نقشه محاصره شهرها از طریق دهات، جنگی که تحت رهبری حزب کمونیست انقلابی ایران به پیش خواهد رفت، را صاحب است. این ستاد رهبری کننده، این پیشاهنگ، مائیم. موجودیت ما، جهانبینی و سیاست، نقشه و برنامه، و عمل انقلابی ما انقلابیون مائوئیست، طبقه کارگر و خلق انقلابی را در موقعیتی قرار میدهد که بتواند از اوضاع و شرایط مساعدی که در حال شکل گیری است، حداکثر استفاده را ببرد و افق رهائی را نزدیکتر سازد.

باشد تا پرولترها و ستمدیدگان، پیشگامان نسل نوین انقلابی، بصغوف ما بیوندند و انرژی و نیروی مبارزاتی، امکانات معنوی و مادی، و خون و عرق خود را در خدمت آرمان والای رهائی بشر قرار دهند. باشد تا غرش تفنگهای جنگ خلق در عرصه ایران طنین افکن شود. پس بیائید تا با آگاهی و اطمینان به افق سرخ و روشنی که در برابرمان قرار دارد، اول ماه مه را جشن بگیریم و همزمان با دهمین سالگرد تشکیل جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، پر طنین تر از همیشه، غریو شادی و صلای نبرد سر دهیم.

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی!
مرگ بر نظم کهنه و «نوین» امپریالیستی!
پیش بسوی تاسیس حزب کمونیست انقلابی ایران!
در اهتزاز باد پرچم ظفرنمون جنگ خلق!
زننده باد جنبش انقلابی انترناسیونالیستی!
از جنگ خلق در پرو پشتیبانی کنید!
از جان صدر گونزالو به دفاع برخیزید!
زننده باد انترناسیونالیسم پرولتری!
زننده باد اول ماه مه سرخ!